

## مقدمه ای بر تثنیه



### بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** اشعیا باب ۱۴ آیات ۱۲ تا ۱۴، حزقیال باب ۲۸ آیات ۱۲ تا ۱۷، پیدایش باب ۳ آیات ۱ تا ۷، پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳، اعمال رسولان باب ۷ آیات ۲۰ تا ۳۶، خروج باب ۱۹ آیات ۴ تا ۸.

**آیه حفظی:** «آن که محبت نمی کند، خدا را نشناخته است، زیرا خدا محبت است.» (اول یوحنا باب ۴ آیه ۸).

کتاب تثنیه به یقین از خُم رنگرزی بیرون نیامده است. به مانند هر چیزی که در این زندگی وجود دارد، تثنیه نیز در بستری از زمان و مکان وجود داشته است و به مانند هر چیزی در این زندگی، آن بستر نقش مهمی را در مضمون و هدف آن بازی می کند.

تاریخچه ای در پیشاپیش آن وجود داشته است - تاریخچه ای که رویدادهایی را شرح می داد؛ رویدادها و شرایطی که نه تنها در مورد خود کتاب بلکه جهان و محیطی که آن بسترتاریخی را شکل داد. همانطور که فهمیدن هدف و عملکرد برف پاک کن یک ماشین درخارج از چارچوب ماشین سخت خواهد بود، درک تثنیه سخت خواهد بود، بخصوص در پرتو موضوع مطالعه ما (کتاب تثنیه و حقیقت حاضر)، نیز به همان اندازه سخت خواهد بود تا آن را بتوان خارج از چارچوب آن درک نمود. فردی کتاب لئو تولستوی به نام «جنگ و صلح» را که حدود ۱۵۰۰ صفحه می باشد در عرض سه روز خوانده بود. وقتی از او پرسیده شد که کتاب در مورد چه چیزی است خواننده مذکور پاسخ داد: «در مورد روسیه هست».

به همین صورت نیز می توان تاریخ هزاران سال را در درسی یک هفته ای پوشش داد تا بتوانیم به زمان تثنیه برسیم.

اما با تمرکز بر نکات برجسته، خواهیم دید که این بستر تاریخی مورد نیاز است تا کتاب به بهترین نحو درک شود؛ که سرشار از «حقیقت حاضر» است.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در تاریخ دهم مهر حاضر شوید.

## محبت کنید تا محبت شوید

در اول یوحنا باب ۴ آیه ۸ نوشته شده است: «خدا محبت است». در هر حال در پس این سه کلمه به ظاهر ساده (چهار کلمه ای در زبان یونانی) مفهومی عمیق نهفته است، که به سادگی قابل استنباط نیست. این جمله نمی گوید که خدا محبت می کند، یا اینکه خدا محبت را آشکار می سازد، یا اینکه خدا تجلی محبت است؛ بلکه می گوید خدا محبت است. گوئی که محبت جوهره هویت خداست. به عنوان انسانهای سقوط کرده و با چند کیلوگرم گوشت و پوست و مواد شیمیایی موجود در سرمان که برای درک حقیقت کمک می کند نمی توانیم به طور کامل مفهوم «خدا محبت است» را درک کنیم. اما یقیناً به اندازه کافی می توانیم درک کنیم که این خبری بسیار خوش می باشد. اگر به جای جمله «خدا محبت است»، نوشته می شد «خدا نفرت است» یا «خدا کینه جوست» یا «خدا بی تفاوت است» این مکاشفه می توانست نگران کننده باشد.

و این حقیقت که «خدا محبت است» به ما کمک می کند تا ایده حکومت خدا را بهتر درک کنیم و این موضوع که چگونه بر تمامی خلقت حکمرانی می کند، بازتاب دهنده آن محبت است. محبت در کهکشان ها رسوخ می کند، حتی شاید بیش از نیروی جاذبه که بر جهان حاکم است. خدا ما را دوست دارد و ما نیز باید به نوبه خود همان محبت را به خدا نشان دهیم. (رجوع کنید به تثنیه باب ۶ آیه ۵، مرقس باب ۱۲ آیه ۳۰).

محبت بخاطر این که محبت باشد، باید سخاوتمندانه و بی دریغ ارزانی شود. خدا نمی تواند محبت را تحمیل کند؛ به مجرد اینکه او این کار را بکند، دیگر نمی توان آن را محبت نامید. با این حال وقتی خدا موجودات باهوش و خردمند را با توانایی محبت کردن در آسمان و بر زمین آفرید، این خطر همواره وجود داشت که آنان به نوبه خود محبت را به او نشان ندهند. برخی از آنها چنین نکردند- و از این روآغازگر چیزی شد که ما آنرا نبرد عظیم می دانیم.

چرا متون ذیل تنها در مضمون آزادی و مخاطراتی که از محبت ناشی می گردد معنا می یابد؟ (اشعیا باب ۱۴ آیات ۱۲-۱۴، حزقیال باب ۲۸ آیات ۱۲-۱۷، مکاشفه باب ۱۲ آیه ۷).

حزقیال باب ۲۸ آیه ۱۵ بطور خاصی قابل تامل می باشد که نشان می دهد که گرچه این فرشته یعنی لوسیفر موجودی کامل بود، که توسط خدای کمال آفریده شده بود، لیکن شرارت در او یافت شد. این بدان معنا نیست که از ابتدا با این شرارت آفریده شد و بعد شرارت در او شروع شد. در عوض، لوسیفر با قابلیت محبت کردن آفریده شد، و آزادی اخلاقی داشت و با وجود تمامی توانایی هایی که به او داده شده بود («وهرگونه سنگ گرانها زینت تو بود») این فرشته حرص و طمع بیشتری داشت. در اینجا بود که یک مشکل باعث بوجود آمدن مشکل دیگری شد و آن «جنگ درآسمان» بود.

در برخی از مکانها سگهای ربات یافت می شوند که از دستورات شما اطاعت می کنند؛ هرگز فرشتان را کثیف نمی کنند یا مبلمانتان را نمی جویند. به هر حال آیا شما ارتباطی معنادار با اینگونه «سگ» خواهید داشت؟ پاسخ شما در درک این مطلب چه کمکی می کند که چرا خدا موجوداتی را می خواهد که بتوانند به راستی بازتاب دهنده محبت به او باشند؟

۵ مهر

دوشنبه

## سقوط آدم و طوفان نوح

تقریباً همه بچه های مدرسه در مورد سیبی که بر سر اسحاق نیوتن افتاد شنیده اند و واویلا! نیوتن نیروی جاذبه را کشف کرد. اینکه سیب بر سرش می افتاد یا نه نکته مهمی نیست؛ در عوض نکته مهم این است که بینش عالی نیوتن (او نیز نیروی جاذبه را کشف نکرد؛ هر کسی که در آن زمان بر زمین می افتاد می دانست که نیروی جاذبه ای در کار هست) باعث شد که بفهمد همین نیرویی (نیروی جاذبه) که موجب سقوط سیب گردید ماه را در مدارش به دور زمین نگه می داشت و به نوبه خود زمین را در مدارش به دور خورشید و غیره.

این نکته حائز اهمیت است چراکه برای هزاران سال، بیشتر مردم بر این باور بودند که قوانینی که بر آسمان حکمرانی می کرد با قوانینی که بر زمین حکم می راند متفاوت بود. نیوتن نشان داد که این باور اشتباه است.

و با وجود آنکه ایده نیوتن در حیطه قانون طبیعت بود، همان ایده نیز در مورد قانون اخلاقی صدق می کند. همان آزادی، که ریشه در محبت داشت، و منجر به سقوط لوسیفر از آسمان شد، همان نیز منجر به سقوط انسان در زمین می گردد.

پیدایش باب ۲ آیات ۱۶ و ۱۷ و پیدایش باب ۳ آیات ۱-۷ را بخوانید. چگونه این آیات در مورد افرادی بی عیب و نقص، که در محیطی عالی و کامل توسط خدا خلق شده بودند نیز حقیقت قدرتمند در مورد آزادی ریشه دار در محبت را آشکار می سازد؟

پس از سقوط آدم، وضعیت از بد، بدتر شد؛ تا جاییکه خداوند در مورد بشریت گفت «... تمام مردم روی زمین، شریر شده اند و تمام افکار آنها فکرهای گناه آلود است» (پیدایش باب ۶ آیه ۵) و اگر نیت دلشان بد بود اعمالشان به همان اندازه نیز بد بود تا اینکه اوضاع چنان در شرارت غرق شد که خداوند کل دنیا را با طوفان و سیل از بین برد- با این منطق که به بشریت فرصتی برای شروعی تازه داده شود، چیزی به مانند خلقتی دوباره. در هر حال همانطور که داستان برج بابل نشان می دهد (پیدایش باب ۱۱ آیات ۱-۹)، هنوز هم به نظر می رسد که بشریت در صدد سرپیچی از خداست. «هنگامی که بخشی از برج بابل تکمیل گردید، بخشی از آن برای سکنی گزیدن بنایان در نظر گرفته شده بود؛ دیگر طبقات برج بطور با شکوهی مجهز و تزئین گردیده و به بتهایشان وقف

گردیده بود. مردم از توفیق خود در خوشی و هیجان بودند و خدایان طلا و نقره خود را می ستودند و بر ضد حاکم آسمان و زمین قیام کرده بودند.» (الن جی وایت، مشایخ و انبیاء، صفحه ۱۱۹). بدین سبب، خداوند علاوه بر مشوش کردن زبانشان، آن نژاد سقوط کرده را در سطح زمین پراکنده ساخت.

در طول روز افکار خود را در مد نظر قرار داده و قلب و نیت خود را بیازمائید و از خود سوال کنید که در چه وضعیتی قرار دارم؟

۶ مهر

سه شنبه

## فراخوانی ابرام

آبرام (که بعدها ابراهیم خوانده شد) برای اولین بار در تبارشناسی پیدایش باب ۱۱ ظاهر شد که درست پس از زمان پراکنده شدن مردم از بابل بر روی زمین به وی اشاره می شود.

فراخوان ابرام از سوی خدا را در پیدایش باب ۱۲ آیات ۱-۳ بخوانید. امروزه وقتی به گذشته برگشته و به زمان پس از مصلوب شدن و زمان پس از مرگ عیسی و انتشار انجیل نگاه می کنیم، چگونه می فهمیم که خداوند چه وعده هایی را از طریق ابرام داد؟

پس از گذر قرن‌ها، پولس رسول که درگیر ارتداد غلاطیان بود، به فراخوانی ابراهیم اشاره می کند تا از ابتدا قصد و نیت خدا را بیان کرده باشد: یعنی انجیل خبر خوش به کل جهان. «پس باید بدانید که ایمانداران، فرزندان حقیقی ابراهیم هستند. چون کلام خدا از پیش، زمانی را می دید که خدا غیریهودیان را از راه ایمان کاملاً نیک محسوب می کند. قبلاً به ابراهیم بشارت داده گفت: به وسیله تو تمام ملت‌ها برکت خواهند یافت. بنابراین ایمانداران در برکات ابراهیم ایماندار، شریک و سهیم هستند» (غلاطیان باب ۳ آیات ۷-۹).

فراخوانی ابراهیم برای اولین بار در پیدایش باب ۱۲ بیان شده است؛ و بخش عمده ای از باقی پیدایش داستان نسلی است که از خون اوست، ذریتی که عملکرد بدتری از نسل قبل داشت و یکی پس از دیگری خانواده ای از هم گسیخته به وجود آوردند و با این وجود، وعده نهایی قرار بود محقق شود، که به نقطه ای حساس در فراخوانی موسی رسید.

اعمال رسولان باب ۷ آیات ۲۰-۳۶ را بخوانید؛ که استیفان شهید، داستان موسی و خروج را به تصویر می کشد. این داستان با وعده نخستین خدا به ابراهیم چگونه انطباق می یابد؟ در جهانی که در جهالت، خطا و عدم شناخت حقیقت فرو رفته است (مسائلی که بیش از سه هزار سال است که تغییر نیافته، اینطور نیست؟)، خداوند عده ای از مردم را به عنوان قوم خویش و نوادگان ابراهیم از مصر فرا خواند. او از طریق آنان نه تنها در پی آن بود تا دانش حقیقت؛ شناخت وی، یهوه، و برنامه نجات را محافظت کند، بلکه در پی این بود تا این دانش را به کل دنیا انتشار دهد.

امروزه ما به عنوان ایمانداران ادونتست روز هفتم با دنیا چگونه ارتباطی داریم؟ به عبارتی دیگر، چه رابطه موازاتی بین ما و اسرائیل کهن وجود دارد؟ مهمتر اینکه این موازات بر هر یک از افراد بطور فردی چه مسئولیتی می سپارد؟

۷ مهر

چهارشنبه

## عهد در کوه سینا

خروج از مصر و هرآنچه که در پی داشت؛ ازخون پاشیده شده بر سردرها در مصر تا واقعه دریای سرخ- تجربه ای فوق العاده بود! بی شک، این رویدادها بر بر افرادی که زنده بودند تاثیر بسزائی داشت. (و آنانی که مردند؛ از نخستزادگان در مصر تا سربازان در قعر دریای سرخ را خدا منصفانه داوری خواهد کرد.) همانطور که خداوند گفت: « شما خود دیدید که بر مصریان چه کردم و چگونه شما را بر بالهای عقابها حمل کرده، نزد خود آوردم » (خروج باب ۱۹ آیه ۴).

چرا خداوند اینگونه نجاتی چشمگیر و شگفت انگیز را انجام داد؛ در حقیقت قومی را ازبطن قومی دیگر برگرفت، یا همانطور که موسی خودش به آنان گفت: « و آیا تا به حال خدایی کوشیده است که برود و قومی از میان قوم دیگر برای خود برگیرد، با مصائب و آیات و معجزات و جنگ، و با دست نیرومند و بازوی افراشته و اعمال عظیم و ترسناک، چنانکه یهوه خدایتان در برابر چشمان شما در مصربرایتان کرد؟» (تثنیه باب ۴ آیه ۳۴)؟

خروج باب ۱۹ آیات ۴-۸ را بخوانید. چرا خدا مردم را از مصر فرا خواند؟

و به همین سادگی. خدا آنان؛ یعنی نوادگان اسرائیل، نسل پدرانشان ابراهیم، اسحاق و یعقوب را فراخواند و خداوند از طریق این نسل ها عهد خویش را بنیان نهاد و واقع شد که: «... از میان جمیع قومها، ملک خاص من خواهید بود، زیرا تمامی زمین از آن من است» (خروج باب ۱۹ آیه ۵). این رابطه، کانون عهد بود.

با این حال این گفته «ملک خاص» (سگولا *segullah*) می تواند به آسانی سوء تعبیر شود(که در واقع چنین شده بود). خاص بودن، به خودی خود ریشه در قدوسیت و عدالت ندارد. در عوض به خاطر فیض خدا به آنان ارزانی شده بود و به خاطر حقایق شگفت انگیزی بود که او به آنان ارزانی داشته بود- حقایقی که باید از آنها پیروی می شد و به عنوان «پادشاهی کاهنان»، سرانجام به دنیا منتشر می شد.

سپس خداوند برخی از مفاد عهد و پیمان ( و به گفته ای فسخ عهد)، ده فرمان (خروج ۲۰) را به آنها داد ، و سپس این عهد منعقد گردید.. با پاشیده شدن خون قربانی در مذبحی که بتازگی برپا شده بود ، موسی «کتاب عهد را برداشت و آن را در حالی که قوم گوش فرا می دادند، برای ایشان قرائت کرد» (خروج باب ۲۴ آیه ۷). قوم مجدداً تصریح کردند که مطیع خواهند بود.

« آن هنگام که موسی هر یک از احکام شریعت را به تمامی قوم اعلام کرد، خون گوساله ها را گرفته، همراه با آب و پشم قرمز و شاخه های زوفا، برطومار و همه قوم پاشید و گفت: این است خون عهدی که خدا شما را به نگاه داشتنش حکم فرموده است» (عبرانیان باب ۹ آیات ۱۹ و ۲۰).  
خون بر چه چیز دلالت دارد و چرا حتی امروزه برای ما نیز پراهمیت است؟

۸ مهر

پنجشنبه

## ارتداد و مجازات

«همه قوم یکصدا پاسخ دادند: هرآنچه خداوند فرموده است، خواهیم کرد» (خروج باب ۱۹ آیه ۸؛ همچنین به خروج باب ۲۴ آیه ۳ و خروج باب ۲۴ آیه ۷ رجوع شود).  
اگرچه بی شک هر بار مردم حرفهایشان را با جدیت می زدند ولی متأسفانه تاریخ مقدس نشان می دهد که اعمالشان با حرفهایشان در تناقض بود. اگرچه آنان قومی برگزیده بودند و اگرچه آنها به رایگان وارد عهد با خداوند شده بودند، با این وجود عهد خود را تا به آخر نگاه نداشتند که در واقع منجر به یک چیز شد.

عامل اصلی برای قوم اسرائیل در برابر عهد چه بود؟ (خروج باب ۱۹ آیات ۴ و ۵).

دعوت به اطاعت از خدا و پیروی از احکامش در گذشته به عنوان قانون به اندازه ای که امروزه رعایت می شود رعایت نمی شد (به متی باب ۷ آیات ۲۴-۲۷؛ یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۵؛ یعقوب باب ۲ آیه ۲۰؛ رومیان باب ۶ آیات ۱۱ و ۱۲ رجوع شود) و در عین حال فرزندان اسرائیل در آخر بطور مکرر در پیروی از عهد کوتاهی می کردند.  
در واقع، پیش از آن نیز در مقابل همان کوه سینا ارتداد سقوط کرده بودند (به خروج باب ۳۲ آیات ۱-۶ رجوع شود). متأسفانه بی ایمانی از آنچه که انتظار می رفت به مراتب بیشتر بود و بنابراین در عوض ورود سریع به سرزمین موعود، آنان به مدت ۴۰ سال در بیابان سرگردان شدند.

اعداد باب ۱۴ آیات ۲۸-۳۵ را بخوانید. به خاطر عدم اعتماد به آنچه که خداوند به آنان گفته بود تا انجام دهند، چه مجازاتی در انتظار قوم بود؟

آنگاه، همچون زمان حاضر، نافرمانی اغلب نه تنها طغیان آشکار است (هر چند که اتفاق می افتد)، بلکه از عدم اعتماد به آنچه خدا ناشی می شود. آنچه که این گناه را برای قوم اسرائیل فاجعه بارتر می ساخت، این حقیقت بود آن چنانکه خود خدا نیز گفت، «که هیچ یک از آن مردان که جلال من و آیاتی را که در مصر و در بیابان ظاهر ساختم دیدند، و با این همه، مرا این ده بار آزمودند و

به صدای من گوش فرادادند» (خروج باب ۱۴ آیه ۲۲). علی رغم آنچه که دیده و تجربه کرده بودند، آنها هنوز هم از اطاعت خداوند و تسخیر سرزمین موعود علی رغم وعده های خدا مبنی بر اینکه موفق می شوند، سر باز زدند (اعداد باب های ۱۳ - ۱۴).

در مورد گفته بالا بیندیشید: که بی اطاعتی از عدم اعتماد به کلام خدا سرچشمه می گیرد. چرا این گفته حقیقت دارد و چگونه در واقع می توانیم اعتماد به خدا را بیشتر از این یاد بگیریم؟

۹ مهر

جمعه

**اندیشه ای فراتر:** برای مطالعه بهتر و عمیق تر از مبحث «نبرد عظیم»، مبنی بر ایده خدا محبت است، که توسط یکی از باورمندان ادونتیسست روز هفتم نوشته شده است، کتاب جان پیکم به عنوان «محبت در عدل الهی\*»: نبرد کیهانی و مشکل شریر مراجعه کنید. (انتشارات گرند ریپدز، آموزشگاه پیکر سال ۲۰۱۸). این حقیقت که این مجموعه توسط انتشارات غیر ادونتیسست چاپ شده است نشان می دهد که دانش کتاب مقدسی، حقیقت نبرد عظیم را همانطور که در کلام به تصویر کشیده شده است آشکار می کند.

\*John Peckham's *Theodicy of Love: Cosmic Conflict and the Problem of Evil* (Grand Rapids, MI: Baker Academic, 2018).

به طور خلاصه، استدلال می کنم که محبت خدا (چنانچه به درستی فهمیده شود) در مرکز یک مناقشه کیهانی قرار دارد و اینکه تعهد خدا در ارزانی داشتن محبت، دلیل اخلاقی کافی به خدا می دهد تا شرارت را مجاز بشمارد، با آشکارسازی های کافی برای درک تقدیر و مشیت الهی به عنوان عمل کننده به آنچه که آن را قواعد عهد و پیمان می نامم. (جان سی. پیکم «محبت در عدل الهی\*»: نبرد کیهانی و مشکل شریر مراجعه کنید. (انتشارات گرند ریپدز، آموزشگاه پیکر سال ۲۰۱۸)، صفحه ۴.

«فرمانی مبنی بر این که قوم اسرائیل نمی توانند برای مدت چهل سال به سرزمین کنعان وارد شوند تلخکامی و نومیدی برای موسی، کالیب، یوشع وهارون بود؛ درعین حال بی هیچ مراوده و شکوه ای تصمیم الهی را پذیرفتند. اما کسانی که به خاطر تعامل خدا با آنان شکایت می کردند و اعلام می کردند که به مصر باز خواهند گشت، بخاطر برگرفته شدن برکاتی که آنرا خوار شمردند گریسته و ماتم گرفتند. آنان برای هیچ شکایت کرده بودند و حال خدا سبب ماتم و زاری آنان شد. اگر آنان برای گناهانشان ماتم و زاری می کردند، این حکم اعلام نمی شد؛ ولی آنان برای داوری ماتم گرفتند؛ اندوه آنان حاکی از ندامت و توبه نبود، و نمی توانستند محکومیت خود را رفع کنند» (الن جی وایت، مشایخ و انبیا، صفحه ۳۹۲).

## سوالاتی برای بحث:

۱. در خصوص مسئله آزادی اختیار و محبت بحث کنید. چرا محبت باید محبت بی‌آورد و رایگان ارزانی شود؟ با تمام رنج و مصیبت‌هایی که دچار دنیا می‌شود، برخی ممکن است بحث کنند که محبت ارزش آن را ندارد. به آن چالش چگونه پاسخ می‌دهید؟
۲. اگر اطاعت و فرمانبرداری محور کل کتاب مقدس باشد، پس شریعت گرای دیگری چیست؟ چه عواملی می‌توانند تلاش برای وفاداری به خدا و کلام و احکام او را تبدیل به دامی برای شریعت‌گرایی کنند؟
۳. در کلاس در مورد سوالی که در پایان درس روز سه‌شنبه مبنی بر موازاتی که بین اسرائیل کهن و کلیسای ادونتیست روز هفتم وجود داشت گفتگو کنید. آن موازات‌ها کدامند و چرا ما باید به آنان اهمیت بدهیم؟